

# پس از نشست بروکسل و پرونده‌های فساد مقامات بلند رتبه

سرمقاله

## گام مهم در اجرای قانون حق دسترسی به اطلاعات

حفیظ الله زکی

بیش از دو سال از تصویب قانون حق دسترسی به اطلاعات می‌گذرد. این قانون در نهم سرطان سال ۱۳۹۳ از سوی مجلس نمایندگان با اکثریت آراء در شش فصل و سی و دو ماده به تصویب رسید. طرح این قانون در سال ۱۳۹۰ توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ و به همکاری نهادهای مدافع حقوق روزنامه نگاران و خبرنگاران تهیه شده بود که به دلایل گوناگون به پارلمان فرستاده نمی‌شدند. تا این که در ماه تیر ۱۳۹۲ این قانون برای تصویب به مجلس فرستاده شد و پس از دو ماه، با آوردن برخی تعدیلات و اصلاحات، مورد تأیید نمایندگان مجلس قرار گرفت. با این که حدود دو سال از تصویب این قانون می‌گذرد، اما هنوز برای شهروندان کشور و حتی بسیاری از روزنامه نگاران، محققان و خبرنگاران کشور که مهم ترین مخاطبان آن را تشکیل می‌دهند، ناشناخته مانده است. هنوز کمتر کسی از محتوای این قانون، کاربردها و مزایای آن باخبر می‌باشد. هنوز این قانون از سوی نهادهای مسئول به مورد اجرا گذاشته نشده است. همین غفلت و بی توجهی سبب گردید که سال ۲۰۱۶ از سوی نهادهای حامی خبرنگاران، بدترین سال برای خبرنگاران در زمینه دسترسی به معلومات دولتی اعلام شود. این نهادها گزارش داده اند که در این سال ۷۲ تن از خبرنگاران در راستای دسترسی به معلومات مورد خشونت قرار گرفته اند.

به منظور اهمیت تطبیق این قانون دیروز رئیس جمهور کشور با صدور حکمی، به نهادهای دولتی دستور داد تا برای تسریع روند معلومات‌دهی درست و به موقع برای مردم اقداماتی را انجام دهند. در این حکم آمده که قانین دسترسی به اطلاعات نافذ بوده، وزرا، مسئولین دولتی مرکز و ولایان ولایات مکلفاند تا طرز العمل‌های موثر را برای طبقه بندی معلومات از لحاظ درجه محرمانه در مشوره با «کمیسیون نظارت و دسترسی به اطلاعات» ترتیب کنند.

تأخیر در اجرای قانون حق دسترسی به اطلاعات و بی توجهی به این قانون و همکاری نکردن مقامات و نهادهای دولتی با خبرنگاران و سایر شهروندان، نشان می‌دهد که هنوز این حق در افغانستان ناشناخته مانده است. حق دسترسی به معلومات ریشه در حقوق شهروندی و اصل آزادی بیان دارد که در قانون اساسی کشور به رسمیت شناخته شده است. تصویب قانون مستقل در این رابطه قوت اجرایی قانون حق دسترسی به اطلاعات را افزایش می‌دهد و در ترویج و همگانی سازی فرهنگ ارائه اطلاعات به شهروندان در بدنه ادارات دولتی از مدیران ارشد تا مدیران سطوح میانی و پایینی کمک می‌کند. بر مبنای این قانون تمامی شهروندان حق دسترسی به معلومات دولتی را دارند و تمام ادارات دولتی وظیفه دارند که بدون تبعیض و در حد اقل زمان ممکن، اطلاعات لازم را در اختیار شهروندان قرار دهند.

دسترسی شهروندان به اطلاعات علاوه بر این که پایه های دموکراسی را در جامعه تقویت می‌کند، زمینه بهتر مشارکت سیاسی و نظارت عمومی را از کارکردهای ادارات دولتی نیز فراهم می‌سازد. دسترسی به اطلاعات فرایند نظارت مردمی بر عملکرد ادارات را سرعت می‌بخشد. نظارت مردمی بهترین و کم هزینه ترین نظارت بر سازمان های دولتی می باشد که بر ایجاد شفافیت و تقویت اعتماد میان مردم و دولت نقش ایفا می‌کند.

که به تقویت بنیان های دموکراسی در کشور احساس می‌شود؛ این حق در کنار سایر حقوق شهروندی باید در مضامین کتب درسی مکاتب و دانشگاهها گنجانیده شود تا همگان نسبت به این حق معلومات لازم را به دست آورند. تصویب این قانون در واقع زمینه چرخش اطلاعات آزاد در جامعه را فراهم می‌سازد و برای شهروندان کشور و بخصوص محققان و خبرنگاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

مهمترین بیهانه و یا دغدغه در این زمینه، البته مسایل امنیتی است که با افشای اطلاعات ممکن است خدشه دار شود؛ اما این نگرانی از یک طرف با طبقه بندی کردن اطلاعات و تهیه طرز العمل جامع در این زمینه بر طرف می‌شود. از سوی دیگر دسترسی مردم به اطلاعات به دلیل جلوگیری از شیوع اخبار نادرست و ناقص به ایجاد فضای امن در کشور کمک خواهد کرد.

رئیس جمهور غنی در آغاز شکل گیری حکومت وحدت ملی مبارزه با فساد را از اولویت‌های کاری حکومت خود خواند. او برای نشان دادن جدیت خود در امر مبارزه با فساد پرونده کابل بانک را پیگیری نمود. با این حال، تا هنوز پرونده کابل بانک بسته نشده است. حکومت او در دو سال گذشته نتوانسته است این پرونده بزرگ فساد مالی را به صورت کامل مورد بررسی قرار دهد و پرونده آن را بنسدد. در عین حال، به گزارش‌ها و تحقیقات سیگار در مورد فساد مقامات بلند پایه حکومت پیشین نیز پاسخ معقول ن داده است. حکومت وحدت ملی مرکز عدلی و قضایی را به وجود آورد و هدف آن را پیگیری پرونده‌های فساد مقامات حکومتی اعلان نمود. قبل از نشست بروکسل سخنگوی رئیس جمهور به رسانه‌ها گفت که پرونده‌های تعدادی از مقامات حکومت پیشین و کنونی را برای بررسی به لوی ژانوالی فرستاده است. نشست بروکسل به پایان رسید اما، پرونده‌های مقامات دولتی همچنان بسته مانده است و هیچ نهادی از پیشرفت در امر بررسی آن گزارش نداده است. آیا تلاش‌های حکومت قبل از برگزاری نشست بروکسل برای متقاعد کردن جامعه جهانی برای کمک به حکومت افغانستان بوده است و یا اینکه حکومت وحدت ملی به صورت جدی در پی بررسی پرونده‌های فساد مقامات دولتی است؟ اگر حکومت وحدت ملی در این امر جدی است چرا تا هنوز گزارشی از چگونگی پیشرفت بررسی پرونده‌های فساد مقامات حکومتی ارائه نشده است؟ آیا نهادهای قضایی به صورت جدی در این راستا کار می‌کنند؟ در نشست بروکسل، حکومت وحدت ملی تعهد به مبارزه با فساد را نمود. تشکیل مرکز عدلی و قضایی یاد نمود. کشورهای کمک کننده به افغانستان نیز از تشکیل مرکز عدلی و قضایی استقبال

نمود. با این حال، بعد از نشست بروکسل پیشرفتی صورت نگرفته است. هیچ یک از مقامات دولتی برای پاسخ گویی به دادگاه فراخوانده نشده است. نتیجه‌ای تحقیق نهادهای قضایی نیز در اختیار رسانه‌های مردم قرار نگرفته است. واقعیت امر این است که حکومت در امر مبارزه با فساد آن چنان جدی نیست. زیرا، تعدادی از وزرا و مقامات حکومت پیشین هم اکنون در حال اجرای وظیفه در پی بررسی پرونده‌های فساد مقامات دولتی می‌باشند. با حضور این افراد در ساختار اداری و پست‌های مهم دولتی صداقت رئیس جمهور غنی در امر مبارزه با فساد زیر سوال می‌رود. حضور افراد فاسد در ادارات دولتی منجر به سلب اعتماد مردم از شخص رئیس جمهور غنی و حکومت او می‌شود. رئیس جمهور غنی بدون حمایت و پشتیبانی مردم قادر نخواهد بود با فساد به صورت جدی مبارزه نماید. از این جهت، بهتر آن است که رئیس جمهور میان مردم و افراد فاسد یکی را انتخاب نماید. اگر در پی مبارزه

رحیم حمیدی



با فساد است پرونده‌های مقامات را به صورت جدی مورد بررسی قرار دهد و افراد فاسد را از ادارات و پست‌های مهم دولتی برکنار نماید. جدا از اراده رئیس جمهور غنی در امر مبارزه با فساد اداری او مبارزه با فساد پیچیده نموده است. ایجاد مرکز عدلی و قضایی نه تنها در امر مبارزه با فساد کمکی نمی‌کند بلکه در عین هدر دادن بودجه باعث پیچیدگی ساختاری و ایجاد اختلال در کارهای ادارات دیگر شده است. در کنار مرکز عدلی و قضایی اداره تحت عنوان اداره عالی مبارزه با فساد نیز وجود دارد. اکنون دو اداره موازی در امر مبارزه با فساد وجود دارد. برای هر یک از این دو اداره بودجه تخصیص داده می‌شود. با این حال، تفکیک وظایف میان این دو اداره صورت نگرفته است. عدم تفکیک وظایف میان این دو اداره مبارزه با فساد را دشوار نموده است و در عین حال، منجر به هدر رفتن بودجه نیز می‌شود. از این جهت، لازم است که رئیس

گزارش دقیق از سرمایه خود ارائه نماید تا در پایان حکومتش بررسی پرونده‌های مقامات که متهم به فساد می‌شود، قابل رسیدگی شود. در صورت که سرمایه کنونی و منبع درآمدهای مقامات حکومتی مشخص نباشد سخت و دشوار خواهد بود که بتوان به پرونده‌های فساد رسیدگی نمود. از این جهت، رئیس جمهور غنی باید شخصاً از مقامات بلند پایه حکومت بخواهد که سرمایه منقول و غیر منقول خود را ثبت نماید. کاهش فساد بدون به وجود آوردن سیستم امکان پذیر نیست. نه مرکز عدلی و قضایی و نه نهاد اداره عالی مبارزه با فساد قادر به کاهش فساد در ادارات دولتی نیست. مبارزه با فساد تنها با ایجاد سیستم امکان پذیر است. سیستم که کارگزاران را به صورت اتوماتیک پاسخگو سازد. سیستم بر کارگزاران نظارت نماید. در فقدان سیستم است که یک فرد قادر به گرفتن ماش از سه نهاد می‌شود اما، تنها در یک جای اجرای وظیفه می‌کند. در فقدان سیستم پلیس‌های خیالی تشکیل می‌شود و عاشق آن‌ها به جیب افرادی دیگر می‌رود. اکنون تمام نهادهای حکومت به شکل سنتی اجرای وظیفه می‌کند. همین مسئله یکی از دلایل اساسی و جدی گسترش فساد است. در عین حال، مبارزه با فساد را نیز سخت و دشوار نموده است. وحدت ملی اراده جدی در امر مبارزه با فساد ندارد. افراد متهم به فساد به پست‌های بالای حکومت اجرای وظیفه می‌کنند. نه تنها برای آن‌ها پرونده سازی نمی‌شود بلکه حکومت به فساد آن‌ها سرپوش می‌گذارد. جدا از فقدان اراده حکومت ادارات موازی به وجود آورده است که مبارزه با فساد را سخت و دشوار نموده است و میان ادارات موازی هیچ تفکیک و تقسیم وظایف صورت نگرفته است. همه این‌ها گویایی آن است که حکومت در صورت مقطعی عمل نموده است و رفتارهای حکومت نمایشی بوده است.

# افغانستان ۱۵ سال در بوته آزمایش

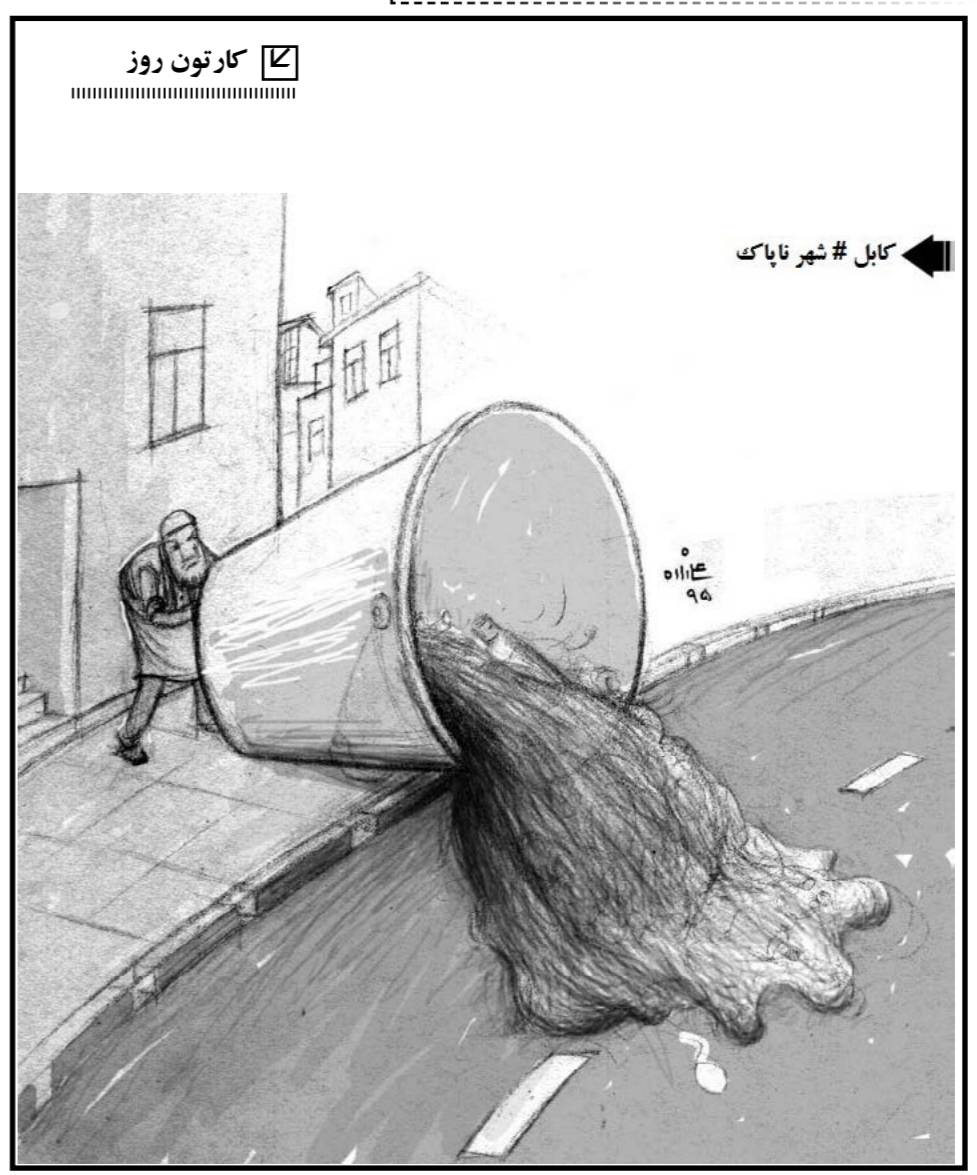
نویسنده: کارلوتا گل / مترجم: جانتلی شکرعلی زاده

کشور را نجات داد مساجد و خانه های که توسط جنگ داخلی از بین رفته بود را تعمیر کرد برای مثال باغ بابر را تعمیر کرد، قلعه هرات و مجسمه بودا که توسط طالبان منهدم شد، را بازسازی نمود با وجود امنیت شکننده باستان شناسان در سراسر کشور مشغول کارند. وقتی از دوستان و آشنایان افغان پرسیده شد که آیا مذاخلم امریکا در افغانستان ارزشش را داشت بدون تردید خواهند جواب خواهند داد که سवाल کردن نداره، دیپلماتیک همه به افغانستان کمک کرد که از جایش بلند شود. زنان بخصوص اعتماد به نفس بالایی بدست آوردند. یک دوست با خنده به خانواده اش در جرمنی زنگ زده بود و می گفت چطور از سونا در بامیان در مرکز افغانستان طی سفر کاری لذت برده است. این سطح از فضای باز قبلا ممکن نبود هنوز تفاوت های بین زندگی شهری و روستایی وجود دارد در خیلی از جاها زنان برای سیر کردن فرزندان شان تقلا می کنند. تقریبا ۲۵ فی صد کشور در کنترل طالبان هست. مردم حالا آگاهی یافتند که اقتصاد کشورشان را می توانند احیا کنند آنها به ثروت های طبیعی شان نظیر معادن اشاره دارند و موقعیت کشورشان به عنوان مسیر ترانزیت از چین و آسیای مرکزی و خلیج فارس می توانند به اقتصاد شان کمک کنند. مردم بساور دارند اگر از اشتباه های که صورت گرفته درس گرفته شود به جای شکایت از این حکومت می توانند با شرف غنی اقتصاد کشور را سرپا نگه دارند. بیشتر افغان ها می گویند ما به کمک امریکا در دفاع و حمایت سیاسی شان در برابر تهدید و تروربسم و همسایگان مان ضرورت داریم خطر سقوط حکومت در سال های بعد با این تلفاتی که هست وجود دارد و ما انتظار داریم امریکا به تعهد نظامی خویش پایبند بماند. اگر امریکا تلاش هایش در آوردن صلح با کمک طالبان و پاکستان را بیشتر کند مانند برنامه ای که امریکاستر هالبروک و هیلاری کلنتون در ۲۰۰۹ شروع کرده بود قطعا از افتادن کشور بدست طالبان جلوگیری خواهد شد.

ترو و وحشت و فقهه‌پرایی خاتمه دادند. یک پدر به من گفت ما خسته شده بودیم از فرار کردن در حالی که بچه هایمان به پشت مان بسته بودند. نیمی از کابل ویران و غیر قابل سکونت بود من در غرب کابل سوار اسب می شدم برای اینکه سسک را ویران بود بیابان بود حالا بازسازی شده پر از مردم شده دانشگاه امریکایی اعزام شده ساختمان پارلمان در طول سرک ساخته شده موزیم کابل و دواپر دولتی ایجاد شده اکثر ساختمان ها توسط کمک امریکایی ها ساخته شده است. پایتخت سال ها سرد و تاریک بود اما بانک جهانی کمک کرد و برق از مرکز آسیا آورد و کابل روشن شد، چهار راه ها نمایان شد خانه های کوچک زیادی سربر آورد مردم صاحب کار شدند و ساختمان ها نوسازی شد. بازسازی در ابتدا خیلی کند بود حتی حالا خیلی از جاه ها برق ندارند اما بطور پیوسته بازسازی ادامه دارد. سال ها سرک ها ویران و خراب بود اما این روزها سفرهایی که چندین روز را در بر می گرفت، بسیار کوتاه و آسان شده است. در ولایات ساختمان های اداری، مدرسه ها، شفاخانه ها، کلینیک ها و پوسته های پلیس حتی زندان ها نو ساخته شدند. حالا نسل جدیدی رشد کرده در ادارت دولتی افراد حرفه ای و آموزش دیده کار می کنند. مردان جوان با تحصیلات عالی شان مسسول اداره های مختلف هستند زنان جوان در حال درس دادن به جوانتر ها هستند دختران فارغ التحصیل در دانشگاه های خصوصی کار می کنند افراد با درجات تحصیلی ماستر و دکترا از خارج شامل وزارت خانه ها و سفارت خانه ها هستند این کشور فقط دو دانشگاه ولایتی داشت و حالا بیشتر از ۳۰ عدد میرسد مکاتب و دانشگاه های خصوصی در حال خدمات رسانی به جوانان تشنه به تحصیل هستند خاتم نانسی دوبری دیپلمات سابق و محقق امریکایی که مرکز آموزشی افغان را در دانشگاه کابل ایجاد کرده، می گوید: جوانان حالا می توانند صدایشان را بلند کنند ایده هایشان را بگویند که قبلا اینطور نبود. او در حال اجرای چندین پروژه در افغانستان هست یکی از پروژه های او دیجیتالی کردن اسناد آرشیف وزارت امور خارجه افغانستان هست. او می گوید: آنها در باره تاریخ شان نمی دانند آنها تعلق داشتن را نمی دانند و نمی دانند افغان بودن یعنی چی و نمی دانند که چه کشور قشنگی دارند. کمک های خارجی میرسات های تاریخی

پاکستان آنها به مردان جوان یاد می دهند چطور از دیگ بخار بمب بسازند و کمربند انتحاری بسازند چطور موترهای بمب را آماده کنند و به اهداف شان در افغانستان و پاکستان بفرستند. آنها افرادی را استخدام می کنند آموزش می دهند از جمله احمدخان رحمی مظنون بمب گذاری ماه گذشته در نیویورک و نیوجرسی، ماه ها در نزدیکی کوئته در پاکستان در میان طالبان گذرانده بود. علی رغم انکار پاکستان بر همگان معلوم شده که طالبان در این مسدت از طرف نیروهای اطلاعاتی پاکستان اداره و تجهیز می شوند اوپاما مانند سلف خویش جورج بوش در فشار آوردن به پاکستان به خاتمه دادن به این بازی ناکام ماند. آگاهان بساور دارند که ایمن الظواهری دستیار اسامه بن لادن هنوز در کنار رهبران طالبان در پاکستان به سر می برد و از آنجا به پیروان خود در خاورمیانه و افریقا و آسیا هدایت می دهد در دوسال گذشته نیروهای ویژه امریکا جهت جلوگیری از نفوذ گروههای القاعده بر آنها حمله هایی را انجام دادند. و نیروهای پاکستانی بی شرمانه در حمایت از نیروهای شورشی هستند حتی آنها بازنشستگان نظامی شان را با هلی کوپتر چارتر برای آموزش طالبان به داخل خاک افغانستان می فرستند که یکی از آنها در منطقه تحت کنترل طالبان در غرب افغانستان سقوط کرد شامل شش نظامی بازنشسته و یک خلبان روسی بود. به عنوان یک خبرنگار یکی از سخت ترین تجربه های من این است که سال ها شاهد حملات مرگباری هستم و کاری در جلوگیری آن نمی شود. پاسخ دادن به این سوال افغان ها که چرا امریکا نسبت به حمایت پاکستان اینقدر کور و بی توجه هست مشکل هست. برای مدت ها امریکا حرف های سیاستمداران افغانستان را درک نکردند اما حالا به این نتیجه رسیدند، اما چقدر طول خواهد کشید تا اقدامات بعدی معلوم نیست فرمانده گدا از فرماندهان جهادی و مخالف طالبان این را به من گفت. در کمپین های مربوط افغانستان در امریکا و اروپا شاهد هستم که آنها خسته اند من اغلب می شنوم که مردم آن را فاجعه افغان ها می نامند اما با وجود اشتباهاتی زیادی که صورت گرفته مانند فساد اداری، ضعف رهبری، تلفات بی وقفه اما من آن را فاجعه نمی پندارم. امریکا این کشور را از عصر تاریکی بیرون کشید افغان ها هنوز ممنون امریکایی ها هستند که به دوران سیاه طالبان، دوران

هلیکوپترهای نظامی به خاطر ترس از حملات موترهای انفجاری در سسک ها به سرعت از بالای سرما در حال عبورند و مقامات افغان و امریکایی را انتقال می دهند ، مانع های سمیسی محکم که در اطراف سفارت خانه ها و دواپر دولتی قرار دارند بلندتر و قوی تر شده اند، تمام سرک ها به روی عموم بسته شده است. این روزها احساس می شود پایان دورانی سر رسیده است. ۷ اکتبر ۲۰۰۱، پانزده سال از حملات امریکایی ها بر طالبان و القاعده می گذرد، اگر به عقب نگاهی بیندازیم ظاهرا کاری صورت نگرفته است. خروج نظامیان امریکایی از ۱۰۰۰۰۰ تا ۸۵۰۰۰ سرباز تا به امروز در مدت کم، خیلی سریع صورت گرفت. هزاران افغان بیکار شدند. من از اوایل ۱۹۹۰ بطور متواتر از افغانستان دین می کنم برای افغان ها و من که سال ها مسایل افغانستان را دنبال می کنیم این روزها یادآور دوران خروج شوروی پس از ۱۰سال اشغال در سال ۱۹۸۹ است حکومت کمونیستی تنها سه سال پس از آن دوام آورد و در سال ۱۹۹۲ حکومت به دست مجاهدین افتاد. طالبان که از حمایت پاکستان برخوردار هستند، همین سناریو را تکرار می کنند امیدوار هستند با تحت کنترل گرفتن نواحی مرزی با پاکستان حکومت اسلامی را برپا کنند. هنگامی که طالبان شهر کندز را موقتا در کنترل خود گرفتند، اعتماد مردم به حکومت از دست رفت و مردم به این راور رسیدند که حکومت از آنها محافظت کرده نمی تواند. طبق گزارش سیگار طی سال ها افغانستان بیشترین کمک های خارجی را دریافت کرده است امریکا فقط ۵۰۰ بیلیون دالر از سال ۲۰۰۲ به این طرف به مصرف رسانده است که بیشتر آن صرف نیرهای نظامی شده و حدود ۱۱۳ بیلیون دالر صرف بازسازی شده است. طبق گزارش بانک جهانی افغانستان هنوز یکی از فقیر ترین کشورها در جهان باقی مانده است بیش از ۱۰ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند سه چهارم جمعیت بی سواد است. طالبان در سال ۲۰۰۱ به سرعت شکست خوردند و پراکنده شدند در جنوب کشور من نیروهای جنگی طالبان و القاعده را دیدم که در محاصره نیروهای امریکایی بودند هیچ شکی نبود که پایان عمر آنها سر رسیده بود. حمایت مردمی را نداشتند شروع آسانی بود. اما به آنها اجازه داده شد که در کوههای پاکستان مجددا آرایش بگیرند از آنجا افغانستان و جهان را تهدید کنند. در



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine